

بررسی فقهی و حقوقی ورود دولت به حریم خصوصی

۹

دو فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

علی بگدلی و همکار
بررسی فقهی و حقوقی ورود دولت به حریم خصوصی

علی بگدلی^{*۱}

احسان علی اکبری بابوکانی^۲

۱. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.
۲. دکتری فقه و حقوق، هیئت علمی دانشکده اهل‌بیت دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

یکی از محرّمات مسلم و قطعی در اسلام، تجسّس و تفتیش از اسرار، عورات، پنهانی‌ها و به‌طور کلی حریم افراد است، از سویی دولت‌ها در راستای برقراری نظم عمومی و مقابله با مفاسد گوناگون، ناگزیر به ورود به حریم خصوصی در موارد استثنائی می‌باشند، در راستای تعیین حدود این استثنائات، در فقه امامیه منابع عقلی و نقلی فراوانی وجود دارد و با وجود ادله حاکی از حرمت تجسّس می‌بینیم که در سیره رسول مکرم اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) عمل تجسّس و ورود به حریم خصوصی در برخی موارد انجام شده است که حتی گاهی خود معصوم مبادرت به تجسّس کرده است، حال این سؤال مطرح می‌شود که در چه صورت تجسّس از حریم افراد جایز و مباح و در چه صورت و چه مواردی ممنوع است؟ لیکن صرف استخراج استثنائات فقهی ورود به حریم خصوصی، همراه با طرح مبانی عقلی و کلامی آن به تنهایی نمی‌تواند راهگشای شفافیت محدوده ورود دولت‌ها در حریم خصوصی افراد ناظر به تأمین مصالح عمومی باشد؛ لذا بر آن شده‌ایم تا از سویی رویکرد اصلی در تدوین این استثنائات در معنایی مضیق‌تر، ناظر به ورود دولت در حریم خصوصی افراد باشد و از سویی با شفافیت مصادیق امروزی حریم خصوصی در معنای عرفی و حقوقی آن در لسان حقوق‌دانان، گامی مؤثر در مسیر تأمین مصالح نظام از جمله شفافیت اقتصادی برداریم.

واژگان کلیدی: محدوده حریم خصوصی، تجسّس مشروع، حفظ نظام، تفحص حاکم، تأمین مصالح.

از ویژگی‌های مهم انسان علاقه و اهتمام به کسب اطلاع از وقایع مختلف مرتبط با حریم انسان‌های دیگر می‌باشد و وقوف بر اخبار و اطلاعات دیگران که در واقع جزو مکون حریم افراد است را علاقمند است و در این راستا در بسیاری مواقع میل به تجسس از حریم خصوصی دیگران نیز دارد و صرفاً مانع این علاقه‌ی نوع انسان چیزی جز اعتقاد و ایمان به احکام شریعت و اتباع از احکام عقل سلیم نمی‌باشد. از سوی دیگر از زمانی که انسان وجود داشته، همراه با او جنگ و دفاع از خود در مقابل حملات دشمن نیز وجود داشته است و در این راستا وسایل مختلفی را برای دفع اقدامات خصم استفاده می‌کرده است و در راستای پیشبرد اهداف خود با جلوگیری از اقدامات دشمن گاهی از تجسس در امور آن‌ها استفاده می‌کرده، چنان‌که مثلاً در تاریخ آمده است: مصری‌های چند قرن قبل از میلاد حضرت مسیح (ع) دارای اداره اطلاعات و مخبرات و جاسوسی بوده‌اند (هانی، ۱۹۷۴ ق: ۳۳). در حالات اسکندر مقدونی نیز ارباب تواریخ آورده‌اند: او اولین کسی بود که جاسوس و عیونی برای اطلاع از مسائل دشمن گمارد (قلقشندی، ۱۳۳۴ ق، ج ۱: ۴۲۹). امروزه با توجه به جایگاه بسیار مهم ورود به حریم خصوصی در اعمال نظارت توسط دولت‌ها بر نظام اقتصادی خود، ما شاهد اهمیت دوچندان استخراج اصول و مبانی و تعیین حدود ورود دولت‌ها به حریم خصوصی جهت جلوگیری از سوءاستفاده‌ها هستیم و با تشکیل حکومت اسلامی شیعی پس از چند صدسال برای دستگاه اطلاعات و استخبارات حکومت اسلامی لازم است تا ضوابط جواز آن را بر اساس ادله عقلی و نقلی مورد بررسی قرار داده و ضوابط و محدوده ممنوعیت و حرمت تجسس و موارد و مصادیق مباح و جایز آن منضبط و ضابطه‌مند گردد؛ چه آنکه عدم انضباط این مسائل و بی‌اطلاعی نسبت به آن‌ها پیامدها، آثار و آفات شرعی بسیاری دارد. علاوه بر ضرورت تعیین محدوده مجاز تجسس در نظام استخبارات و اطلاعات حکومت اسلامی، برای نوع مکلفین نیز لازم و واجب است تا محدوده حرمت و ممنوعیت آن را از محدوده مجاز آن تشخیص داده تا بی‌جهت مصادیق واجب آن را به امید اطلاق ادله ممنوعیت تجسس، ترک ننمایند.

اگرچه در برخی از ابواب کتب فقهی همانند «جهاد»، «قصاص»، «دیات» و برخی مقالات فقهی پاره‌ای از مسائل مربوط به تجسس و اطلاع ناروا از حریم دیگران مورد بررسی قرار گرفته شده است. لیکن هیچ‌یک از این نگاه‌ها به طور مستقل موارد جواز ورود به حریم خصوصی را با رویکرد بسترسازی دولت‌ها در تأمین نظم عمومی با تطبیق مفهوم

امروزی ورود به حریم خصوصی مورد بحث و بررسی قرار نداده‌اند. از آنجا که در فقه شیعه به مسأله حریم خصوصی افراد به طور مستقل به عنوان باب خاص و کتاب خاصی پرداخته نشده است و ضابطه‌ای نیز برای تشخیص حریم انسان بیان نشده است و از سویی تعریف ناظر به بیان ضابطه هم وجود ندارد و صرفاً باید از احکام بیان شده در تعریف و بیان ضابطه شرعی استمداد طلبیم. بر این اساس ابتدا بر آنیم تا به دنبال تعریف و ضابطه عرفی و متبادر به ذهن از حریم خصوصی در بیان حقوق‌دانان باشیم تا در مسیر بیان ضابطه فقهی و شرعی، به واسطه مفاهیم مشترک میان معنای امروزی ورود به حریم خصوصی و مفهوم تجسس در لسان قدما با مذاقه علمی بیشتری گام برداریم.

مفهوم شناسی حریم خصوصی افراد در علم حقوق

در علم حقوق هر تعریفی مبتنی بر یک دیدگاه و مبنای خاص می‌باشد. حریم خصوصی انسان نیز از این امر کلی مستثنا نبوده و حتی به دلیل ارتباط وثیقی که با انسان این موجود پیچیده عالم خلقت دارد، اهمیت مبنایی و کشف نگرش آن در اندیشه متخصصین صدچندان می‌باشد. لذا قبل از ورود به تعاریف ارائه‌شده، ابتدا دیدگاه‌ها و مبنای کلی در مورد حریم خصوصی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم.

۱. دیدگاه‌ها و مبنای

حقوق‌دانان و قضات همواره هنگام مواجهه با حریم خصوصی و تعیین قلمرو آن از دشواری ارائه تعریف اقتناعی شکایت نموده‌اند. ایشان دلیل سختی تعریف و قلمرو حریم را به طرق مختلف توجیه نموده‌اند: آرتور میلر، حریم خصوصی را مفهوم بسیار مبهم دانسته، ویلیام بینی معتقد است مشکلات جدی در تعریف و قلمرو این حق وجود دارد و تام گرتی حقوق‌دان و فیلسوف آمریکایی برای آن خصیصه تغییرپذیری قائل است (انصاری، ۱۳۸۴: ۱۲؛ به نقل از Solvo, 2002, vol. 90: 1088).

در بیان حقوق‌دانان از تعابیر مختلفی در بیان حریم خصوصی استفاده شده است که از آن جمله حق بر خلوت است که نخستین بار در مقاله‌ای در سال ۱۸۹۰ توسط ساموئل وارن و لوئیس براندیس حقوق‌دانان آمریکایی مطرح شد. (نوبهار، ۱۳۸۶: ۱۸۹، به نقل از: Raymond, 2001:105) که در مورد هویت آن نیز اختلاف نظر است. ابهام‌های نهفته در ذات مفهوم خلوت بر پیچیدگی‌های آن افزوده و مباحث حقوقی آن را دشوارتر ساخته است. برخی حق خلوت را هم‌چون منفعتی^۱ می‌دانند که با ارزشی اخلاقی همراه است،

درحالی که برخی دیگر آن را حقی اخلاقی یا قانونی می‌دانند که باید جامعه یا حقوق از آن حمایت کنند. به عقیده برخی اندیشمندان اگر خلوت حق باشد، از نوع حق منفی^۲ است که نظیر مفهوم آزادی منفی مستلزم تکالیفی برای دیگران مبنی بر امتناع از اعمال خاصی است که استیفای آن توسط دارنده حق را غیرممکن می‌سازد (نوبهار، ۱۳۸۶: ۱۹۹؛ به نقل از Narreson, 2001).

در مورد اینکه مفهوم حریم خصوصی حقی است مستقل یا غیرمستقل دو دیدگاه کلی وجود دارد:

الف: برخی حریم خصوصی را حقی مستقل نمی‌دانند و معتقدند می‌توان آن را در قالب دیگر منافع و حقوق به‌ویژه حق امنیت، مالکیت و نظایر آن مورد حمایت قرار داد. بر این مبنا نظریات شکاکانه و انتقادی نسبت به حق حریم خصوصی وجود دارد. بعضی از این نظریات حق بر خلوت را انکار و بعضی دیگر آن را از جمله منافع می‌دانند که ذیل سایر حقوق و منافع می‌گنجد. ریچارد پوسنر^۳ که به عدم کفایت منافع شخصی مورد حمایت حریم خصوصی معتقد است. روبرت بورک^۴ آن را فاقد مبانی نظری حقوقی قلمداد نموده است. حتی فمینیست‌ها مانند کاترین مکینان^۵ و ژان بی‌الشتین^۶ در مقام انتقاد به این حق، نگران جنبه‌های تیره‌تر حریم خصوصی و به‌کارگیری آن به‌عنوان پوششی برای استیلا، تحقیر و سوءاستفاده از زنان می‌باشد. در عین آنکه می‌تواند عدم مداخله دیگران را به دنبال داشته باشد، هم‌زمان قلمرو و موقعیتی را فراهم می‌سازد که می‌تواند سرپوشی برای سلطه و فشار و لطمه به زنان محسوب گردد، البته در برخی موارد نظریات متعادل‌تری مانند آیتا آلن^۷ در تأیید برخی جنبه‌های مثبت حریم خصوصی بیان گردیده اما به‌طور کلی، فمینیست‌ها قائل به عدم استقلال حق خلوت به‌عنوان حقی مستقل می‌باشند. به‌رحال شاخصه این نظریه آن است که نهایتاً حریم خصوصی را حقی مستقل نمی‌دانند، بلکه تحت سایر حقوق مورد وفاق قابل طرح است.^۸ این گروه «تحویل‌گرایان» نامیده می‌شوند در فرانسه و آلمان و کشورهای دارای حقوق نوشته غلبه دارند.^۹ به‌طور کلی دو رویکرد اصلی در ادبیات مربوط به حریم خصوصی عبارت‌اند از: «تحویل‌گرایان» و «انسجام‌گرایان». تحویل‌گرایان اساساً از منتقدان حریم خصوصی و منکر وجود مستقل آن هستند. درحالی که انسجام‌گرایان مدافع ارزش‌های اساسی و منافع مربوط به حریم خصوصی می‌باشند.^{۱۰}

ب: برخی دیگر حریم خصوصی را حقی مستقل از سایر حقوق فردی می‌دانند و برای آن مفهومی مستقل از سایر مفاهیم حقوقی قائل هستند و لذا سعی در تعریف آن نموده‌اند.

نظریه پردازان آغازین این گروه: آلن وستین، چارلز فراید و ویلیام پرنس هستند که بر نظریه کنترل بر اطلاعات شخصی که به وسیله وارن و براندیس و ویلیام پراسر مطرح و از آن دفاع شده بود، تأکید داشتند. در این دیدگاه علی‌رغم اتفاق نظر در مورد موجودیت حریم خصوصی به عنوان یک حق مستقل، تنوع رویکردهایی که دیدگاه‌های این نظریه پردازان را در خود جای می‌دهد، باعث ارائه تعاریف متفاوتی از موضوع شده است. دیدگاه مبتنی بر به رسمیت شناختن حریم شخصی به عنوان حقی مستقل، در کشورهای عضو گروه «حقوق عرفی» یا «کامن‌لا» از مقبولیت بیشتری برخوردار است.

۲. تعریف حقوقی مختار

چنانکه قبلاً نیز اشاره شد تعریف خاصی از حریم خصوصی افراد در فقه امامیه ارائه نشده و ارائه تعریف برای آن چیزی غیر از بیان معنای لغوی و شرح واژه و واژه‌شناسی نخواهد بود. به‌طور کلی برای تعریف حریم خصوصی افراد و شناسایی مصادیق مورد حمایت حریم خصوصی، به نظر می‌رسد، سه معیار زیر را باید توجه داشت:

الف: معیار نوعی (انصاری، ۱۳۸۴: ۳۸): به این معنا که برخی جنبه‌های زندگی افراد نوعاً یا عرفاً حریم خصوصی قلمداد می‌شود. این معیار، مدعی نقض حریم خصوصی را از اثبات اینکه چرا دیگران نباید بدون رضایت وی به آن حیطه خاص وارد شده یا دسترسی پیدا کنند، بی‌نیاز می‌سازد؛ بنابراین تعدی به حیطه‌های نوعاً شخصی و خصوصی زندگی افراد، نقض حریم خصوصی محسوب می‌شود، مگر در مواردی که مدعی نقض حریم خصوصی خود به این امر رضایت داده باشد و یا مرتکب عدول صریح یا ضمنی فرد را از حریمش ثابت کند، این معیار قابل دفاع فقهی نیز می‌باشد که در ادامه به مقتضای بیان نگاه اسلام به حریم افراد به آن می‌رسیم.

ب: معیار شخصی: به معنای تعیین محدوده حریم خصوصی و مصادیق آن توسط شخص می‌باشد. با در نظر گرفتن این معیار، حریم شخصی می‌تواند در افراد مختلف، متفاوت باشد. بدین معنی که اشخاص ممکن است بعضی جنبه‌های زندگی خود را که نوعاً یا عرفاً در دایره حریم خصوصی قرار نمی‌گیرد، در حیطه امور شخصی و مشمول حریم خصوصی خود اعلام کنند، این معیار هم با تعریف لغوی و عرفی حریم سازگار بوده و قابل دفاع فقهی نیز می‌باشد.

ج: معیار تلفیقی (نوعی - شخصی): این معیار تلفیقی از دو معیار فوق است بدین معنا که حریم خصوصی افراد محدوده‌ای است که نوعاً و یا شخصاً به عنوان حریم اختیار گردد. مناسب است قبل از ورود به تبیین ادله فقهی این معیار متذکر شویم که از نگاه نگارنده و

بر اساس تحلیلی که در بخش بعد از ادله احکام از منظر فقه امامیه ارائه خواهد شد، معیار پذیرفته در تعریف حریم افراد و تعیین مصادیق حریم خصوصی می‌باشد. چنان‌که گاهی هنگام تقنین از هر یک از معیارها و یا تلفیقی از هر دو معیار استفاده می‌گردد برای مثال در فضای مجازی نظیر اینترنت، اطلاعات اشخاص هنگام ورود به سایت‌ها بر اساس نظر خود آن‌ها تنظیم و ثبت می‌گردد.

بنابراین بر اساس معیارهای فوق می‌توان چنین تعریفی را از حریم خصوصی ارائه داد، البته باید متذکر شد که این تعریف صرفاً لغوی و عرفی است و تعریف دقیق و همراه با ظرایف عقلی و بدون اشکال نمی‌باشد تا نقض و ابرام آن روا باشد، البته بر محقق نهفته نیست که در علوم نظری و اعتباری اساساً تعریف بدون اشکال و ایراد، محال و غیرممکن است:

«محدوده‌ای از امور متعلق به فرد است که شرعاً، نوعاً و یا عرفاً یا با خواست و اراده عقلایی و یا اعلام فرد انتظار می‌رود تا دیگران از دستیابی به اطلاعات مربوط به آن قاصر بوده و نسبت به آن تعرضی ننمایند».

بر اساس این تعریف مصادیق بارز و مهم حریم خصوصی را می‌توان این‌گونه نام برد: اطلاعات شخصی، جسم افراد، منازل و اماکن خصوصی، ارتباطات خصوصی، محل کار و... بنابراین به مقتضای قاعده اولیه، دسترسی به اطلاعات شخصی و افشای مسائل خصوصی افراد، تحت نظر گرفتن دیگران، ایست بازرسی و بازرسی‌های بدنی، ورود بدون اجازه به منازل و اماکن خصوصی، شنود، کنترل یا رهگیری مکالمات و انواع ارتباطات از عمده‌ترین اعمال نقض‌کننده و در شرایطی جرایم در زمینه حریم خصوصی است.

حریم خصوصی در فقه شیعه

در فقه بحث «حریم خصوصی» تحت این عنوان مطرح نگردیده ولی مقولات و مسائل آن با مبانی متعدد و محکم مورد حمایت قرار گرفته است. می‌توان گفت که رعایت چنین حقی قبل از آنکه در حقوق مغرب زمین و کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشری پیش‌بینی گردد، در منابع فقهی و حقوقی اسلام مطرح بوده است. آیات متعدد قرآن و سنت پیامبر (ص) و ائمه (ع) دلالت بر ضرورت و وجوب رعایت حریم شخصی دیگران و حرمت نقض آن و در نتیجه ضمانت اجرای دنیوی و اخروی آن دارد. احکام مرتبط با حریم خصوصی نیز از اصول و قواعد و احکام مختلف اسلام قابل استنباط است. از جمله:

ممنوعیت تجسس، ورود به منازل بدون استیذان، استراق بصر، استراق سمع، سوءظن، نیمه و غیبت، سب و هجو و قذف، اشاعه فحشا و هتک ستر، خیانت در امانت و نظایر آن که به نوعی بر حقوق و آزادی‌های فردی و حق حریم خصوصی دلالت می‌نمایند. این موارد به طور مستقیم تحت عنوان و یا به‌منظور حمایت از حریم خصوصی وضع و مطرح نشده‌اند، ولی مفهوم و مقررات مربوط به حریم خصوصی از آن استنباط می‌گردد. به همین ترتیب تقسیم‌بندی‌های مطرح‌شده در زمینه حریم خصوصی نیز به طور مستقیم در آن‌ها منظور نگردیده ولی از فحواى قاعده یا حکم می‌توان حق حریم خصوصی در زمینه‌های مختلف از جمله اطلاعات را استنباط نمود.

برای روشن شدن دیدگاه اسلام در خصوص موضوع بحث، مبانی و دلایل حمایت از حریم خصوصی در زیر به بیان ادله حاکی از این حمایت اشاره می‌نماییم.

۱. ادله عقلی

رعایت حریم خصوصی دیگران از جمله اموری است که علاوه بر نقل، از طریق عقل نیز واجب است. عقل انسان مستقل از دستورات شرعی، می‌تواند پاره‌ای مسائل را درک نماید. لذا به‌عنوان حجت قابل استناد می‌باشد. به همین لحاظ تکالیف بر دو قسم است: شرعی و عقلی (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۲: ۳۵۰).

منظور از تکالیف شرعی مواردی است که از معصومین (ع) نقل گردیده و احکام مختلف را تشکیل داده است. امور عبادی نظیر طهارت، نماز و حج و... از این قبیل هستند. فقها نیز در مسائل مختلف هنگام استنباط احکام فقهی عقل را مبنای استنباط و یا در کنار احکام شرع مورد استناد قرار می‌دهند. ادله عقلی دال بر وجوب حمایت از حریم افراد را می‌توان در زیر به آن‌ها اشاره نمود:

الف: قضاوت وجدان (حکم اولیه وجدان)

مسئله وجوب نگهداری آبرو و اسرار مسلمانان از جمله مسائل حیاتی است... وجوب آن به ادله بدیهی وجدانی، عقلی و شرعی مستند می‌باشد... طبق داوری عقل و دلالت بدیهی وجدان، اصل و قاعده این است که هیچ‌کس بر کس دیگر ولایت و سلطه نداشته باشد. درحالی‌که زیر نظر گرفتن پنهانی دیگران و کنکاش و جستجو کردن درباره آنان و نیز افشاگری و پخش کردن عیب‌ها و اسرارشان نوع تصرف درباره دیگران به شمار می‌آید؛ بنابراین، «اصل اولی» (در اینجا مراد قاعده و قضاوت عقل است) جایز نبودن آن را اقتضاء می‌کند... بنابراین تجسس و خبرجویی از اندرون زندگی شخصی مردم و امور پنهانی آنان جایز نیست و به هیچ‌کس اجازه داده نشده است که اسرار و لغزش‌های مردم

را پخش و افشا کند. بر پایه این دو اصل و شالوده استوار (حرمت تجسس و حرمت پخش اسرار شخصی مردم) است که زندگی توده مردم بنیان گذاری شده است... (منتظری، ۱۳۷۱، ج ۴: ۲۸۳).

ب: ممنوعیت عقلی ولایت بر دیگران

به حکم عقل فطری ولایت بر دیگران ممنوع است و اثبات ولایت بر دیگران احتیاج به دلیل خاص دارد. تجسس نیز نوعی ولایت بر دیگران است و به حکم عقل جایز نمی باشد.

ج: ممنوعیت و حرمت عقلی ظلم

عقل سلیم قبیح بودن ظلم را درمی یابد و به همین لحاظ آن را حرام می شمارد. نقض حریم خصوصی اشخاص نیز از جمله مواردی است که از طریق آن ظلمی به دیگران رخ می دهد و حقوق دیگران تضییع می شود؛ بنابراین عقل مستقل بدون استمداد از شریعت حکم به ممنوعیت و حرمت ورود به حریم دیگران می نماید چه آنکه مصداق ظلم است.

د: حرمت عقلی مقدمه حرام

ورود به حریم خصوصی افراد مقدمه اشاعه فحشا و شیوع منکرات و از بین رفتن و هتک عرض افراد است که همه از سوی اسلام حرام است و به حکم عقل به اتفاق علما محکوم حرمت خواهد بود و بر اساس برخی مبانی علمای اصول فقه این حرمت عقلی کاشف از حرمت شرعی نیز می باشد و این نشان از حمایت عقل از حریم افراد و حرمت نقضش می باشد.

۲. ادله نقلی (عناوین ممنوعه و حرام مرتبط با حریم افراد)

از آیات قرآن، روایات معصومین (ع)، احکام و مقررات مختلف در زمینه حریم خصوصی قابل استنباط است. در این روایات اموری که به گونه ای موجب نقض حریم خصوصی می گردند نهی شده است. به دلیل وسعت مطالب، صرفاً موارد مهم و نمونه هایی از اخبار مرتبط با موضوع بحث را حسب استقراء مورد اشاره قرار می دهیم:

الف: ممنوعیت تجسس و پیگیری عیوب

تجسس و تلاش برای کشف عیوب اشخاص از موجبات مداخله در امور دیگران و نقض حریم خصوصی آنان است. علاوه بر اینکه به حکم عقل تجسس از حریم افراد و جست و جوی عیوب و اسرار ایشان ممنوع می باشد با این وجود قرآن کریم به صراحت تجسس در امور دیگران را ممنوع دانسته است و بدین وسیله به حکم عقل ارشاد می نماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از ظنون بپرهیزید، همانا برخی از ظنون گناه است و تجسس نکنید و برخی از شما از برخی دیگر غیبت ننمایید. آیا احدی از شما

دوست ندارد گوشت برادر مرده خود را بخورد پس البته که کراهت دارد و تقوای الهی پیشه کنید همانا خداوند متعال بسیار توبه پذیر و مهربان است»^{۱۱}

ب: ممنوعیت اشاعه فحشاء و منکر

اگرچه ممنوعیت اشاعه فحشا خود کبرای قیاس جهت شناخت مصادیق ممنوعه در نظام فقهی اسلام است و در واقع صغرای این کبرا غیبت، دروغ و... می باشد، اما خود این عنوان کلی بنفسه و برخی از مصادیق آن نیز جداگانه در لسان شارع مقدس مورد نهی واقع گردیده است. در هر حال فاش کردن و مطرح نمودن امور ناپسند و زشت دیگران که در واقع منتهی به اشاعه فحشا می گردد، بر اساس ادله احکام در فقه امامیه حرام است. فواید چنین حکمی از جهات مختلف از جمله در حمایت از حریم خصوصی افراد قابل بررسی است. در منابع اسلامی حرمت این عمل مورد تصریح قرار گرفته است. در قرآن کریم اشاعه فحشاء عملی تلقی گردیده که پیامد آن عذاب دردناک در دنیا و آخرت است و وعید به عذاب کاشف از حرمت واقعی عمل است:

«آنهایی که دوست دارند، کارهای زشت و منکر در میان اهل ایمان اشاعه پیدا کند، بر ایشان در دنیا و آخرت عذاب دردناکی وجود دارد و خداوند می داند و شما نمی دانید» (سوره نور: آیه ۱۹)

ج: حرمت استراق سمع و بصر

منظور از استراق سمع (گوش ایستادن) و بصر، آن است که به نحو مخفیانه و یا به گونه ای به پاییدن دیگری بپردازد و بدون اطلاع و رضایت او به صحبت ها و مطالب او گوش دهد و یا پنهانی او را نظاره کند. این امور از طرق مختلفی قابل تصور و انجام است. مثلاً از روزنه و پنجره ای که مشرف است وی را در منزل دیگری نگاه کند و یا از پشت درب به حرف های دیگری گوش بسپارد. توسعه فناوری موجب تسهیل در این امور نیز گردیده است. تجهیزات شنود و استراق سمع و دوربین ها و تراشه ها از جمله این وسایل هستند. در حقیقت اسلام با حرام شمردن استراق سمع و بصر، راه های نقض حریم خصوصی و ورود به خلوت دیگران را به طور مطلق مسدود کرده است چه آنکه مناط در همه این موارد واحد و یکسان می باشد. در فقه امامیه اگر کسی دو چشم دیگری را کور کند، دیه کامل یک انسان بر عهده اوست و دیه یک چشم به قدر نصف دیه انسان است. اما اگر همین چشم اصرار بر نگاه خائنانه داشته باشد و به خانه ها و عورت و اسرار و درون خانه مردم و به نوامیس دیگران نگاه دزدانه کند و عملاً از این طریق حریم خصوصی آنان را نقض کند و در آن حالت به او لطمه بزنند و آسیب ببیند، دیه ندارد. این بی ارزشی

چشم ناپاک، اهمیت حمایت از حریم خصوصی را از منظر فقه می‌رساند که بی‌اذن و به ناروا وارد قلمرو شخصی دیگران می‌شود و با نقض آن قلمرو مرتکب گناه می‌گردد. پیامبر(ص) در این زمینه فرموده‌اند: «هرکس به خانه همسایه‌اش سرک بکشد تا به عورت مردی یا موی زنی یا بدن او نگاه کند، رواست که او را همراه منافقان به آتش دوزخ افکند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۴: ۱۴۱).

بر اساس برخی فتاوی فقها: «دید زدن به خانه مردم و نگاه به نامحرم گناه است و صاحبخانه حق دارد، سنگ یا چیزی به طرف او پرتاب کند و ضمانی هم بر او نیست، حتی اگر به درون خانه‌هایی دور، با ابزاری (مثل دوربین قوی) نگاه کند مثل آن است که از نزدیک نگاه کند. نگاه به درون خانه کسی از طریق نصب آینه نیز همین حکم را دارد» (خمينی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۴۹۲ و ۴۹۱).

تجسس مشروع

هم چنانکه در مقدمه این مقاله متذکر شدیم. رویکرد ما از نگارش این مقاله طرح مبانی فقهی و حقوقی لازم جهت بسترسازی نظارت و بهبود نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بوده است. از این باب در پی احصاء کلیه مواردی که شارع اذن بر ورود به حریم خصوصی داده است نبوده‌ایم و تنها به مواردی پرداخته‌ایم که مرتبط با شئون حکومت و حاکمیت در جایگاه متولی هدایت نظام اقتصادی است.

۱. تجسس از احوال و اعمال کارگزاران در مناصب حکومتی

یکی از چالش‌های مهم در سامان‌دهی به اقتصاد کشور و مبارزه با مفاسد اقتصادی در راستای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بحث شفافیت اطلاعات مالی مسئولین کشوری است؛ که عده‌ای با طرح ممنوعیت ورود به حریم خصوصی و حرمت شرعی تجسس در پی سنگ‌اندازی در تحقق این امر بسیار ضروری و مهم شده‌اند. حال آنکه در نظام فقهی حقوق اسلامی، برای انتخاب کارگزاران تجسس از احوال و ویژگی‌های آنها نه‌تنها جایز بلکه بالاتر به حکم عقل و شرع واجب است، البته تا حدی که لازم است و منصبی که برای آن فرد اختیار می‌شود، ایجاب می‌کند. حال سؤال این است که آیا پس از گزینش و دقت نظر همراه با تجسس از تمام ابعادی که در منصب او واجب بوده است، اکنون باید او را رها نمود، یا اینکه پس از گماشتن او بر سر کار نیز باید با دقت نظر تمام اعمال او را مورد مراقبت به واسطه تجسس قرارداد و بازرسی نمود؟ به حکم عقل و شرع هر فرد که به‌عنوان کارگزار دولت (اسلامی) گماشته می‌شود، باید کاملاً مواظبت و

بازرسی شود و تمام اعمال او توسط عیون حاکم نظاره گردد تا مبدا کاری کند که نظام مختل گشته و تظلم به مردم صورت گیرد. بر مدعای خود به قرار زیر می‌توان از ادله احکام در فقه امامیه استدلال آورد:

۱-۱. ادله عقلی

الف: چنان‌که توضیح داده شد حفظ نظام عقلاً (و شرعاً) واجب است، از آنجا که عمل کارگزاران به طور مستقیم در نظم یا اختلال نظام مؤثر است، بنابراین به حکم عقل تمام اعمال کارگزاران باید از طریق عیون و جاسوس‌های حاکم نظارت شود تا مبدا کاری انجام دهند که انتظام امور مردم و نظام حکومت به هم خورده و مختل گردد. این حکم عقل در مورد تمام حکومت‌های عدل چه اسلامی و چه غیراسلامی وجود دارد و اختصاصی به حکومت اسلامی ندارد، اگرچه اگر حکومت اسلامی عدل باشد، این حکم عقل در با معاضدت ادله عقلی آن اقوی است. البته باید توجه داشت که نباید این ادله عام مستمسک سودجویان برای هتک حریم افراد باشد، بلکه باید حکومت نظر به رأی مجتهد در این امور و با استفاده از افراد ثقه این امر را انجام دهد تا مبدا متاهی به اشاعه فحشا و ارهاق آبروی افراد کارگزار گردد.

ب: حریم افراد محترم است و به حکم عقل و شرع نقض آن جایز نمی‌باشد، اما فرد کارگزار از آن جهت که حریمش مرتبط با حریم تمام افراد حکومت است، اگرچه حفظش واجب است، اما با حفظ انتظام امور عباد در تزامم است که در این صورت از باب تقدیم اهم می‌توان به حکم عقل نظارت و اطلاع از احوال او توسط حاکم را جایز دانست. چنانکه اصولیین یکی از مرجحات تزامم را جایی می‌دانند که یکی از ادله، اهمیتش بیشتر از دیگری باشد (غروی نائینی، ۱۳۲۴ ق، ج ۲: ۳۲۲). مثلاً اگر امر دائر شود، بین حفظ جان فرد و حفظ مال او قطعاً جان او مقدم است.

ج: ظلم به حکم عقل قبیح است. از آنجا که در بسیاری موارد کارگزاران دولت‌ها به مردم ظلم می‌کنند و وظیفه قانونی خود را انجام نمی‌دهند. لذا عدم تجسس و دقت و نظارت حاکم نیز به حکم عقل ظلم خواهد بود و فاعل آن مستحق عقاب می‌باشد. لذا به حکم عقل نظارت و تجسس جایز است.

۲-۱. ادله نقلی

قدرت فساد و انحراف ایجاد می‌کند، چنان‌که در آیات شریفه قرآن کریم نیز این مطلب آمده است (سوره علق، آیات ۶ و ۷). جناب امیر(ع) نیز می‌فرمایند: انسان در سه مورد

تغییر می‌کند؛ نزدیک شدن به پادشاهان، پذیرفتن مسئولیت و ریاست و بی‌نیازی از تهیدستی و فقر؛ کسی که در این سه موضع تغییر نکند، از عقلی استوار و خلقی مستقیم برخوردار است؛ بنابراین باید عمل قدرتمندان در پوشش نظارت و تجسس حاکم باشد تا مبادا از فرصت مناصب خود سوءاستفاده نمایند.

نظارت یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است که در موارد خاصی جایز شمرده شده است. امر به معروف و نهی از منکر از جمله واجباتی است که در قرآن کریم آیات بسیار زیادی در مورد وجوب آن وجود دارد.^{۱۲} در روایات نیز بر اهمیت و وجوب آن بسیار تأکید شده است. برای مثال رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: «همانا خداوند عزوجل از مؤمن ضعیف که دینی ندارد، اکراه دارد. پرسیده شد منظور چه کسی است؟ ایشان فرمود: کسی که نهی از منکر نمی‌کند»^{۱۳}، در جای دیگر ایشان فرموده‌اند: «کسی که امر به معروف و نهی از منکر نماید، خلیفه خداوند و رسولش بر روی زمین است» (متقی هندی، ۱۹۸۹ م، ج ۳: ۷۵). یکی از مصادیق عملی امر به معروف و نهی از منکر زیر نظر گرفتن اعمال کارگزاران دولت و تجسس از چگونگی عملکرد آنهاست و مقابله عملی با منکرات از وظایف حکومت و دولت اسلامی است.

۲. تجسس حاکم از احوال محرومان و افراد جامعه اسلامی

حاکم اسلامی در موارد بسیاری می‌تواند در راستای مقاصد حکومت اسلامی به تجسس از حریم خصوصی افراد بپردازد. البته باید گفت که منظور از حاکم کسی است که در احکام اسلامی به درجه اجتهاد رسیده و در فهم قواعد کلی و تطبیق آن بر مصادیق توانمند و به عبارت دیگر مجتهد باشد. بر این اساس است که برخی فقها معتقدند، فردی که ریاست اداره مخابرات و امنیت حکومت اسلامی را بر عهده می‌گیرد، واجب است که انسان خبیر، متدبّر و مجتهد نسبت به احکام اسلام و شئون سیاسی زمان باشد (مشکینی، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

۲-۱. ادله عقلی

بر حاکم اسلامی ایجاد فضای قسط و عدالت واجب است، چه آنکه اساساً از جمله حکمت‌های تشریع و برپایی شرایع الهی قسط و عدل است. بر این اساس حاکم اسلامی در مسیر ایجاد حکومت عدل مطلوب باید به‌وسیله تفقّد و تجسس از احوال رعیت و اهالی تحت ولایت و حاکمیت خود از احوال و امور زندگانی آنها آگاه باشد. حتی اگر خود قاصر از سرکشی از احوال آنهاست، وسایطی و روابطی را قرار دهد. چنان‌که بیان شد حفظ نظام واجب است و از ادله احکام در فقه امامیه بر وجوب آن دلایل عقلی

فراوانی وجود دارد؛ که بدان اشاره شد و عدم رسیدگی به احوال محرومان جامعه و به‌طورکلی تمام افراد جامعه اسلامی باعث ایجاد هرج و مرج و نارضایتی مردم و به دیگر سخن اختلال در نظام اسلامی می‌گردد و بیضه و نظام اسلامی را به مخاطره می‌اندازد. در این راستا و با این هدف حاکم اسلامی می‌تواند، به تجسس از احوال افراد تحت سلطه خود بپردازد تا مبادا عدم اطلاع از شئون افراد موجب اختلال در نظام گردد. حتی در یک تحلیل این نوع از تجسس تخصصاً از مدلول ادله حرمت خارج‌اند.

۲-۲. ادله نقلی

وجود عریف و نقیب در زمان رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) که به‌عنوان وسایطی حلقه ارتباط مردم با حکومت مرکزی بوده‌اند؛ دلالت بر اهمیت رسیدگی و تجسس از احوال مردم و جامعه دارد. عریف در روایات زیادی آمده است و ما ابتدا احادیث و آثار وارده را نقل کرده سپس درباره عریف بحث می‌کنیم:

عقبه بن بشیر می‌گوید: حضور امام باقر (ع) رسیده عرض کردم... قبیله من عریفی داشتند که مرده و خواستند مرا عریف قرار بدهند شما چه صلاح می‌دانید؟ ابو جعفر (ع) فرمودند:... اما اینکه گفتی قبیله من عریف داشتند، مرده و می‌خواهند مرا عریف قرار بدهند، اگر بهشت را دوست نمی‌داری و از آن بدت می‌آید عریف باش، سلطان ظالم مرد مسلمانی را بگیرد و خونس را بریزد و تو شریک خون او باشی! و شاید از دنیای آن‌ها هم چیزی به تو نرسد. (محدث نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۳: ۱۱۲) بر اساس این روایت به دست می‌آید که عریف شدن از طرف حاکم جائز و ستمگر - که به ناحق مردم را می‌کشد - چنین گرفتاری را دارد اما عریف شدن از سوی امام عادل و معصوم منعی ندارد. نکته دیگری که از این روایت به دست می‌آید، اینکه عریف، مسئول امور قبیله بوده و از طرف سلطان مدیریت داشته و قهراً چنین پیش‌آمدهایی هم متوقع است.

در حدیثی از امیرالمؤمنین نقل شده است: «ای نوف دورباش از عشار بودن و از عریف بودن...؛ زیرا پیامبر خدا داوود (ع) شبی به آسمان نظر کرد و فرمود: آگاه باش این ساعت، ساعتی است که دعا مردود نمی‌گردد مگر دعای عریف...» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۷: ۳۱۵).

حال سؤال این است که منظور از عریف و نقیب چیست؟ ابن حجر عسقلانی در معنای عریف می‌گوید: عریف بر وزن عظیم، کسی است که به امور طایفه‌ای از مردم رسیدگی می‌کند و «من عریف شدم» یعنی امر تدبیر و سیاست قوم را به من دادند و عریف نامیده شد، چون که کارهای آن‌ها را شناسایی می‌کند تا به مافوق خود در وقت مناسب برساند

و گفته شده که عریف مقامی است، پایین‌تر از منکب و منکب هم مقامی است پایین‌تر از امیر (عسقلانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۴۹۶). بدرالدین عینی پس از ذکر کلام ابن حجر می‌گوید: به کار گرفتن عریف سنت است؛ زیرا امام به تنهایی نمی‌تواند به کلیه امور و شئون مملکتی اقدام کند و پس ناچار است، گروهی را برای معاونت خود و کفایت از امور، استخدام کند (بدرالدین عینی، ۱۳۴۸ ق، ج ۲۴: ۲۵۴).

بالاخره از احادیث منقوله و کلام لغویین و دانشمندانی که این احادیث را شرح کرده‌اند استفاده می‌شود که در زمان رسول خدا(ص) عریف بوده و از روایات و احادیث استفاده می‌شود که عریف میان مردم و ولی امر واسطه و در برخی موارد از آن‌ها استفاده می‌شد. در احادیثی که شدیداً از این مقام مذمت شده است، در عین حال که فرموده‌اند: «العرفه حق» و در عین حال که رسول خدا(ع) و امیرالمؤمنین(ع) عریف تعیین کرده بودند، ولی این مذمت‌ها حکایت می‌کند، از حساس بودن این مقام که اگر شکایات مردم را منعکس نسازد و به احتیاجات مردم بی‌اعتنا باشد، مسئول است. اما از شواهد گذشته استفاده می‌شود که گاهی با دست عریف خانه خراب می‌کردند و معرفی اشخاص و توثیق و عدم توثیق و یا گزارش‌های بد نیز به وسیله عریف می‌رسیده است. حتی گاهی انسانی کشته می‌شد؛ پس عریف چشم حاکم و امام به شمار می‌رفت. هم کمال را می‌دید و هم نقص را، هم خوبی‌ها را می‌دید و هم بدی‌ها را، هم اشخاص صالح را می‌دید و هم اشخاص ناصالح را، هم توطئه‌گران و خیانت‌کاران و دزدان و محتکران و چپاول‌گران را می‌دید و هم خدمتگزاران و نیکوکاران و ناصحین و مخلصین را. پس اگر عریف از طرف امام معصوم و یا عادل نصب شده و مطابق دستور- با در نظر گرفتن همه جوانب اسلامی- انجام وظیفه می‌نمود خوب بود مانند خود مقام امامت معصوم و یا عادل و اگر از طرف سلطان جائر و ستمگر نصب می‌شد و یا از طرف امام معصوم نصب می‌گشت، اما مطابق وظیفه عمل نمی‌کرد و یا خیانت می‌نمود و خلاف می‌کرد یا به ناحق مردم را به حبس و تعزیر و کشتن می‌داد بد بود مانند امامت امام جائر.

۳. تجسس از دشمنان

دشمن خارجی حکومت اسلامی همیشه به دنبال ضربه زدن و تخریب حکومت اسلامی است و حاکم اسلامی باید تمام هشیاری خود را نسبت به آن‌ها به خرج دهد تا مبادا غفلت و بی‌توجهی او باعث از بین رفتن ارزش‌های اسلامی گردد، امروزه نه تنها دشمن به وسیله جنگ نظامی حکومت‌ها را مورد تخریب قرار می‌دهد، بلکه بالاتر به واسطه جنگ فرهنگی نظام حکومت و انتظام امور مردم را به مخاطره می‌اندازد، در راستای دفع ضرر ناشی از تحرکات دشمن بر حاکم اسلامی واجب است تا با تمام وجود به مقابله با دشمن بپردازد، در این راستا حاکم می‌تواند، به تجسس از حریم، اسرار و اطلاعات دشمن بپردازد و ادله احکام در فقه امامیه نیز این مشروعیت را صحه می‌گذارد. بر این اساس در زیر به بررسی ادله مشروعیت تجسس از دشمن خارجی می‌پردازیم:

۳-۱. ادله عقلی

الف: وجوب حفظ نظام

عقل انسان به‌طور وضوح، هرج و مرج و فساد اجتماعی و ناامنی و شیوع فحشا و ظلم و منکرات را تقبیح کرده و مبارزه با اختلال نظم و ایجاد هرج و مرج و فساد و منکرات را لازم می‌داند. دفع و رفع این امور متوقف بر ایجاد نظام و برقراری انتظام در جامعه می‌باشد و عقل حکم به وجوب ایجاد نظام و حفظ آن می‌کند. عدم تجسس در امور دشمن و غفلت و بی‌توجهی نسبت به دشمن باعث متجزی شدن دشمن و حمله نظامی و فرهنگی به جامعه اسلامی می‌گردد و حال آنکه عقلاً حفظ نظام بر تمام افراد جامعه و به‌طریق اولی بر حاکم واجب است، بنابراین مقدمات آن یعنی تجسس از حریم، اسرار و اطلاعات دشمن حکم ذی‌المقدمه را دارد و واجب است. چنانکه اشاره شد بر اساس یک مبنا حتی بین این وجوب عقلی با حکم شارع مقدس نیز تلازم وجود دارد و لذا بر اساس این مبنا عصیان مقدمه عقاب نیز خواهد داشت. اگرچه پشتیبان اصلی وجوب حفظ نظام حکم عقل، اما شارع مقدس آن را تأیید کرده و ارشاد به این حکم عقل می‌نماید.^{۱۴} فقها نیز در موارد مختلفی در فقه به این حکم عقل استناد نموده و احکامی را مبتنی بر آن صادر نموده‌اند؛ بنابراین در صورتی که تجسس از حریم، اسرار و عورات مردم مقدمه بر هم خوردن انتظام امور افراد و بر هم خوردن نظام جامعه اسلامی گردد، به اتفاق علما عقلاً جائز نخواهد بود و بر اساس یک مبنا این حکم عقلی کاشف از لزوم شرعی نیز می‌باشد. خلاصه اینکه: تجسس از حریم، اسرار و اطلاعات دشمن به حکم عقل واجب است، چه آنکه جدای از وجود دین غفلت از دشمن باعث از بین رفتن نظام جامعه و انتظام

امور مردم می‌گردد و به حکم عقل این نظم و انتظام واجب است، لذا مقدمات آن نیز عقلاً واجب می‌باشد.

ب: حرمت اختلال در نظام

غفلت نسبت به دشمن، اطلاعات و اسرار آنها از آنجا که مقدمه‌ای برای ایجاد اختلال در امور افراد و جامعه است و در صورت التزام به حرمت آن عقلاً آرامشی برای افراد که جزو اساسی حکومت و جامعه اسلامی هستند، نخواهد ماند و این حرمت تجسس مقدمه‌ای برای از بین رفتن نظم و نظام و اختلال در آن است، لذا از باب مقدمه حرام - مقدمه اختلال که عقلاً حرام است - عقلاً حرمت تجسس از امور دشمن جایز نمی‌باشد؛ بنابراین التزام به حرمت تجسس از حریم و اسرار و اطلاعات دشمن باعث ایجاد هرج و مرج و اختلال در نظام جامعه و انتظام امور افراد جامعه می‌گردد، بنابراین حکم به حرمت حکم ذی‌المقدمه را دارد و عقلاً مذموم است. بر این اساس تجسس از دشمن مباح خواهد بود.

ج: ظلم بودن حرمت تجسس

به حکم عقل ظلم قبیح است و نباید به دیگران ظلم نمود، ادله‌ای نیز دال بر حرمت ظلم در شریعت وارد شده است که ارشاد به این حکم عقل است. حرمت تجسس از اطلاعات و اسرار و حریم دشمن ظلم به جامعه اسلامی، مسلمین و بالاتر اینکه ظلم به خدا و رسول اکرم (ص) است، چه آنکه غفلت نسبت به دشمن و بی‌توجهی نسبت به تحرکات آنها باعث از بین رفتن احکام اسلامی و ضامن اجرای آن یعنی حکومت اسلامی خواهد بود، لذا عقلاً التزام به حرمت تجسس از حریم، اطلاعات و اسرار دشمن جایز نمی‌باشد.

۳-۲. ادله نقلی

در قرآن کریم آمده است: «ای مؤمنان سلاح بگیرید و دسته‌دسته یا به‌طور همگانی به‌سوی جبهه‌ها بشتابید».

در آیه دیگر می‌فرماید: «برای تهدید دشمنان‌تان هر چه می‌توانید نیرو و اسبان سواری مهیا سازید تا بدین‌وسیله دشمنان خدا و خودتان را بترسانید» (سوره انفال، آیه ۶۰).

از جمله مقدمات امثال امر در این آیه کریمه آموزش نظامی، شناختن و تهیه سلاح‌های مختلف (و مناسب با وضع جغرافیایی) و نحوه کاربرد آنها و اگر شناخت و استعمال این سلاح‌ها موقوف به فراگیری علوم از قبیل علم شیمی، فیزیک، هندسه و... باشد، یادگرفتن آنها هم لازم خواهد بود، چنان‌که شرایط موجود در عصر حاضر، اقتضای فراگیری همه این علوم را دارد؛ زیرا خداوند متعال حذر را در تمام انواع آن واجب کرده است و در این راستا بسیاری از مواقع ناگزیر از تجسس از دشمن و اسرار او هستیم و در مسیر

اعداد نیرو و برای مقابله و جنگ روانی با دشمن تجسس از موقعیت و اسرار آنها عقلاً و بر یک مبنا شرعاً نیز واجب است.

موارد کلی جواز

علاوه بر موارد مذکور از استثنائات ورود حکومت در حریم خصوصی افراد می‌توان به دو مورد دیگر نیز اشاره نمود که فی‌الواقع نه به‌عنوان امری مستقل که بلکه به‌عنوان امری در طول سایر موارد قابل طرح و بیان است.

۱. تجسس در مقام ادای تکلیف واجب نصیحت

نصیحت برای هر مسلمانی از تکالیف واجب است و فرقی ندارد که شأن او امامت و حاکمیت در جامعه اسلامی باشد یا رعیت: اما امام، پس بر او واجب است که حکومت و اجتماع اسلامی را حفظ نموده و احکام خدا را از تحریف مصون داشته و در مقام عمل، اجرا نماید، بنابراین امام باید: در تعیین حکام و قضات و فرماندهان رده‌بالا یا رده‌پایین با تحقیق و شناخت کامل اقدام نماید و اشخاص امین و متدین و متعهد و دلسوز و باتقوا را انتخاب کند بلکه تخصص و تجربه و مدیریت او را در نظر بگیرد.

بر رعیت نیز واجب است مطابق وظیفه نصیحت بر خدا و کتاب خدا و رسول و امام همواره در اجرای فرامین حکومت اسلامی کوشش نماید. هر کجا منکری و خلاف دین و شریعتی دید فوراً با لطایف‌الحیل جلوگیری نموده و در صورت عدم امکان، به مقامات صالحه گزارش کند. اگر از مأمورین دولتی ظلمی و خیانتی مشاهده کرد، در دفع آن از راه‌های مناسب بکوشد و در صورت عدم امکان، به مقام بالاتر و به مسئولین اطلاع دهد؛ و اگر انحرافی و یا توطئه‌ای را مشاهده کرد باید اقدام لازم نموده و به مقامات مسئول گزارش کند و به‌طورکلی می‌توان گفت رعیت باید جاسوس ایشان در مقام نصیحت و یاری به احکام الهی، امام و رسول باشد و این تکلیف به مقتضای ادله و جوب نصیحت بر رعیت واجب است.

۲. تجسس مغیبا به انگیزه و غرض شرعی و عقلایی صحیح

یکی از موارد دیگر که تجسس در آن به‌اندازه لازم جایز می‌باشد، مواردی است که تجسس با غرض و انگیزه خیر شرعی و عقلایی همراه باشد. تا جایی که حتی شیخ انصاری در تحلیل ادله غیبت مواردی را که مغیبا به هدف انتقاض مؤمن و آزار و اذیت مؤمن است را محکوم ادله حرمت می‌دانند و بر اساس تحلیل ایشان غیبت مغیبا به غرض و انگیزه خیر خارج از محدوده حرمت تجسس می‌باشد، یعنی ایشان حرمت غیبت را

دائرمدار اهداف غیرشرعی می‌دانند و درنهایت ایشان همین مطلب را در تمام محرّمات قائل‌اند و می‌فرمایند: «مستفاد از اخبار متقدمه و غیر اخبار این شد که غیبت حرام درجایی صادق است که هدف آن اذیت و هتک عرض مؤمن همراه با اغراض سوء باشد (جایی که این هدف منتفی است، حکم نیز منتفی است و به عبارت دیگر جایی که این هدف وجود ندارد، تخصّصاً از مقتضای ادلّه حرمت خارج است)» (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۳۴۲). سپس استشهاد می‌کنند به سخن محقق کرکی در جامع المقاصد و سخن شهید در کشف‌الریبه که به همین مطلب اشاره نموده‌اند.

بنابر قواعد تزاحم در صورتی که تجسّس با انگیزه خیر انجام شود و دارای فواید زیادی باشد و اهمیت آن از حفظ حریم مؤمن بالاتر باشد، مصلحت اهم و بالاتر را مقدّم خواهیم نمود.

موارد بسیار زیادی می‌توان از کتب تاریخ و سیره احصاء نمود که معصوم در موارد بسیار زیادی با وجود انگیزه خیر و نیک به تجسّس از احوال افراد امر نموده و خود ایشان مأمور نصب نموده‌اند؛ نمونه بارز آن تجسّس ایشان به عنوان حاکم از احوال کارگزاران خود می‌باشد. اینکه غرض و انگیزه خیر در مصادیق مختلف می‌توان یکی از مستثیات حرمت تجسّس در صورت قول به حرمت به نحو اطلاق باشد و در صورت قول به حرمت به نحو تقیید به اغراض شرّ تخصّصاً از مدلول ادلّه حرمت خارج باشد.

نتیجه گیری

بی شک مسأله تجسس از حریم خصوصی افراد، رکن اصلی اداره اطلاعات و استخبارات حکومت اسلامی را تشکیل می دهد و نقش بسیار مهمی در تأمین امنیت اقتصادی و سیاسی کشور را دارد. لیکن از آنجا که در فقه شیعه به مسأله حریم خصوصی افراد به طور مستقل به عنوان باب خاص و کتاب خاصی پرداخته نشده است و ضابطه ای نیز برای تشخیص حریم انسان بیان نشده است و صرفاً باید از احکام بیان شده در تعریف و بیان ضابطه شرعی استمداد طلبیم. بر این اساس باید دنبال تعریف و ضابطه عرفی و متبادر به ذهن از حریم خصوصی در بیان حقوق دانان باشیم تا در مسیر بیان ضابطه فقهی و شرعی استثنائات ورود به حریم خصوصی، از باب تطبیق مصادیق به موارد جواز با مذاقه علمی بیشتری گام برداریم.

بر این اساس تعریف مستخرج از معنای امروزی و حقوقی حریم خصوصی عبارت است از: «محدوده ای از امور متعلق به فرد است که شرعاً، نوعاً و یا عرفاً یا با خواست و اراده عقلایی و یا اعلام فرد انتظار می رود تا دیگران از دست یابی به اطلاعات مربوط به آن قاصر بوده و نسبت به آن تعرضی ننمایند» که طبق این تعریف مصادیق بارز و مهم حریم خصوصی را می توان این گونه نام برد: اطلاعات شخصی، جسم افراد، منازل و اماکن خصوصی، ارتباطات خصوصی، محل کار و... بنابراین به مقتضای قاعده اولیه، دسترسی به اطلاعات شخصی و افشای مسائل خصوصی افراد، تحت نظر گرفتن دیگران، ایست بازرسی و بازرسی های بدنی، ورود بدون اجازه به منازل و اماکن خصوصی، شنود، کنترل یا ره گیری مکالمات و انواع ارتباطات از عمده ترین اعمال نقض کننده و در شرایطی جرایم در زمینه حریم خصوصی است؛ که تکیه گاه این مصادیق معیارهای نوعی است حال آنکه بنا بر معیارهای شخص گاهی برخی موارد از جمله آدرس مکان سکونت و... نیز می تواند از مصادیق حریم خصوصی به شمار برود که با تعیین موارد جواز دخالت دولت می توان استثنائاً آن ها را نقض نمود.

از آنجا که در فقه امامیه، احکام متعددی در زمینه و بخش های مختلف مرتبط با حریم افراد به چشم می خورد ولی هیچ گونه تعریف مشخصی تحت عنوان این اصطلاح ارائه نگردیده است ناگزیر باید در قالب احکام، حقوق و اصول دیگر از جمله منع سوءظن، منع استراق سمع، منع اشاعه فحشا و امثال این ها و با تکیه بر ادله عقلی صرف از جمله حکم وجدان، ممنوعیت عقلی ولایت بر دیگران و ممنوعیت عقلی ظلم باید به اثبات و تعریف این موضوع پرداخت و به نوعی آن را در میان فقها مورد شناسایی قرار داد تا پس

از تعیین معنای امروزی حریم خصوصی در پی کشف موارد جواز ورود حکومت در عرصه حریم خصوصی باشیم.

با بررسی ادله عقلی متفاوتی از جمله، وجوب عقلی حفظ نظام، تقدم حریم عمومی بر حریم فردی در مقام تراحم، حرمت اختلال در نظام، وجوب برقراری عدالت در جامعه و همچنین با بررسی ادله نقلی فراوانی که در کتب فقهی و روایی آمده است موارد جواز ورود حکومت به حریم خصوصی افراد عبارت است از: تجسس مغيًا به انگیزه و غرض شرعی و عقلایی صحیح، تجسس در مقام ادای تکلیف واجب نصیحت، تفقد و تفحص حاکم و حکومت اسلامی از احوال محرومان و افراد جامعه اسلامی برای گزینش کارگزاران حکومت اسلامی و تفحص از دشمنان که از حکم حرمت و ممنوعیت خارج است.

با تبیین مصادیق امروزی حریم خصوصی و موارد جواز دخالت دولت در ورود به حریم خصوصی در بیان فقها، می توان با تطبیق این مصادیق با این موارد، بسترسازی فقهی و حقوقی لازم جهت برنامه ریزی دولت برای اعمال روش های نظارتی جدید از جمله بررسی درآمدهای عمومی و میزان تولیدات سرمایه داران و بسیاری دیگر از موارد دیگر در راستای تحقق شفافیت اقتصادی را فراهم نمود.

1. Interest
2. Negative Right
3. Richard Possner
4. Robert Bork
5. Katharine Mackinnon
6. Jean B. Elshtain
7. Anita Allen
8. DeCew, Judith, Privacy, Stanford Encyclopedia of Philosophy, in: <http://plato.stanford.edu/>
9. De Cew, op. cit.

۱۰. اطلاعات بیشتر در:

<http://plato.stanford.edu/>

<http://www.iep.utm.edu/coherent>

۱۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَوْ يَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» سوره حجرات: آیه ۱۲

۱۲. برای مثال: سوره لقمان، آیه ۱۷؛ سوره حج، آیه ۴۱؛ سوره توبه، آیات ۱۱۲ و ۷۱؛ سوره اعراف، آیه ۱۵۷؛ سوره آل عمران، آیه ۱۱۴ و ۱۰۴ و ۱۱۰؛ سوره بقره، آیه ۱۸۰...

۱۳. رک: کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، ج ۵، ص ۵۹؛ ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ ق)، معانی الأخبار، ص ۳۴۴.

۱۴. «وَمَا كَانَ الْقِيمَ بِالْأَمْرِ مَكَانَ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيُضْمُهُ فَإِذَا انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ وَذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶)

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- انصاری، باقر (۱۳۸۴)، *حمایت از حریم خصوصی*، تهران: اداره کل پژوهش و تدوین و تنقیح مقررات ریاست جمهوری.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ ق)، *المکاسب*، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بدرالدین عینی، ابومحمد محمود بن احمد (۱۳۴۸ ق)، *عمده القاری فی شرح صحیح البخاری*، قاهره: اداره الطباعه المنیریة.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۱)، *هدایه الامه الی احکام الائمه*، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- خمینی، روح الله (۱۴۰۳ ق)، *تحریر الوسیله*، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران: مکتبه المرتضویه.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۲)، *ایضاح المراد فی شرح کشف المراد*، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- عسقلانی، ابوالفضل شهاب الدین احمد (۱۴۱۰ ق)، *فتح الباری فی شرح صحیح البخاری*، بیروت: دارالمعرفه.
- غروی نائینی، محمد حسن (۱۳۲۴ ق)، *فوائد الاصول؛ به قلم محمد علی کاظمینی*، قم: اسلامی.

- فلقشندی، ابوالعباس احمد (۱۳۳۴ ق)، *صبح الاعشى في صناعة النساء*، قاهره: دارالكتاب السلطانيه.

- متقى هندی، علاالدين (۱۹۸۹ م)، *كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال*، بيروت: مؤسسه الرساله.

- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- مجلسی، محمدتقی، *لوامع صاحبقرانی (شرح الفقیه)*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

- محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

- مشکینی، میرزا علی اکبر (۱۳۸۶)، *مصطلحات الفقه*، قم: الهادی.

- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۱)، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*؛ ترجمه و تقریر ابوالفضل شکوری، تهران: نشر تفکر.

- نوبهار، رحیم (۱۳۸۶)، *حقوق کیفری و حوزه عمومی*، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

- هانی، احمد (۱۹۷۴ ق)، *الجاسوسیه بین الوقایه و العلاج*، قاهره: الشركه المنجده للنشر والتوزيع.

منابع انگلیسی و وبگاهها

- The American Heritage dictionary
- Solvo, Daniel J. (2002), Conceptualizing Privacy, California Law Review.
- <http://plato.stanford.edu>
- <http://www.iep.utm.edu/coherent>